



سنگ مفت، حرف مفت!

طرح صیانت از خشونت علیه زنان



شهرام شهیدی
طنزنویس

چهارم آذر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است. لذا در تحریریه شهر ونگ دور هم جمع شدیم و دبیر صفحه طی نطق باشکوهی در حمایت از زنان چنین گفت:

اینکه می‌گویند پشت سر هر مرد موفقی، یک زن ایستاده، فمینیستی نیست. اصلاً چرا باید پشت سر یک مرد موفق زنی ایستاده باشد؟ خب خانم‌ها بروند توی صف خودشان.

یکی از کارتون‌نویس‌های خانم هم زیرلبی جواب داد: «پشت سر هر زن موفق یک مرد ایستاده که تمام توانش را برای عدم موفقیت زن در طبق اخلاص گذاشته اما زورش نرسیده.»

یکی از بچه‌ها برای اینکه بحث بالا نگیرد، پیشنهاد داد حالا که طرح‌های صیانتی روی بورس است ما هم طرح «صیانت از خشونت علیه زنان» را رایه دهیم. البته از آنجا که ایشان بیبی فیس تشریف دارند همه فکر می‌کنند دچار سهو زبان شده و واژه درست در دهانش نچرخیده اما خودش می‌داند چه گفته. خلاصه پس از ربع ساعت، طرح صیانت از خشونت علیه زنان آماده و با قید و فوریت ثبت شد.

۱- به منظور تامین هزینه‌های مالی این طرح، می‌بایست عوارض خروج از منزل از زنان اخذ گردد. در این طرح بسته به اینکه در ساعت اوج تردد از خانه صورت بگیرد یا نه مقدار عوارض دریافتی متغیر خواهد بود!

۲- هر زنی اختیار دارد هر کنجی از خانه راکه به آن الفت دارد اختیار کرده و همانجا بنشیند. هیچ مردی حق ندارد او را از این حق محروم کرده و با اعمال خشونت، زن را مجبور کند برود جای دیگری بنشیند.

۳- به منظور صیانت زنان از خشونت محیط وزارتخانه‌ها، هرگونه انتصاب زنان به عنوان وزارت، قضاوت و ... خشونت علیه زنان تلقی شده و با آن برخورد خواهد شد.

۴- به منظور صیانت و حفظ صدای زنان، خواندن زنان حتی در مراسم خانوادگی خشونت علیه خودشان تلقی شده و حنجره مورد نظر جهت اعمال اصلاحات ژنتیکی ضبط خواهد شد.

۵- به منظور صیانت از حس زنان و جلوگیری از جریحه دار شدن احساساتشان حین تماشای مسابقات ورزشی، حضور آنان به عنوان تماشاگر همچون سابق ممنوع است.

البته فکر نکنید صیانت از زنان فقط محدود به همین چند بند است. حیف محدودیت جا نمی‌گذارد بقیه‌اش را بگویم.

افزایش سرقت دریچه فاضلاب در تهران خسارت میلیاردی به آبفا با سرقت دریچه!

مردم: خب منظور؟ می‌خواین آبو گرون کنید؟

مسئول شرکت گاز: علمک گاز که بیشتر میدزدن

پس ما گرونتر می‌کنیم

مسئول توانیر: سارق تیر چراغ برق و خسارت تریلاردی نبود؟

یک نماینده مجلس: شاید سارقان از اینستاگرام یاد گرفته‌اند

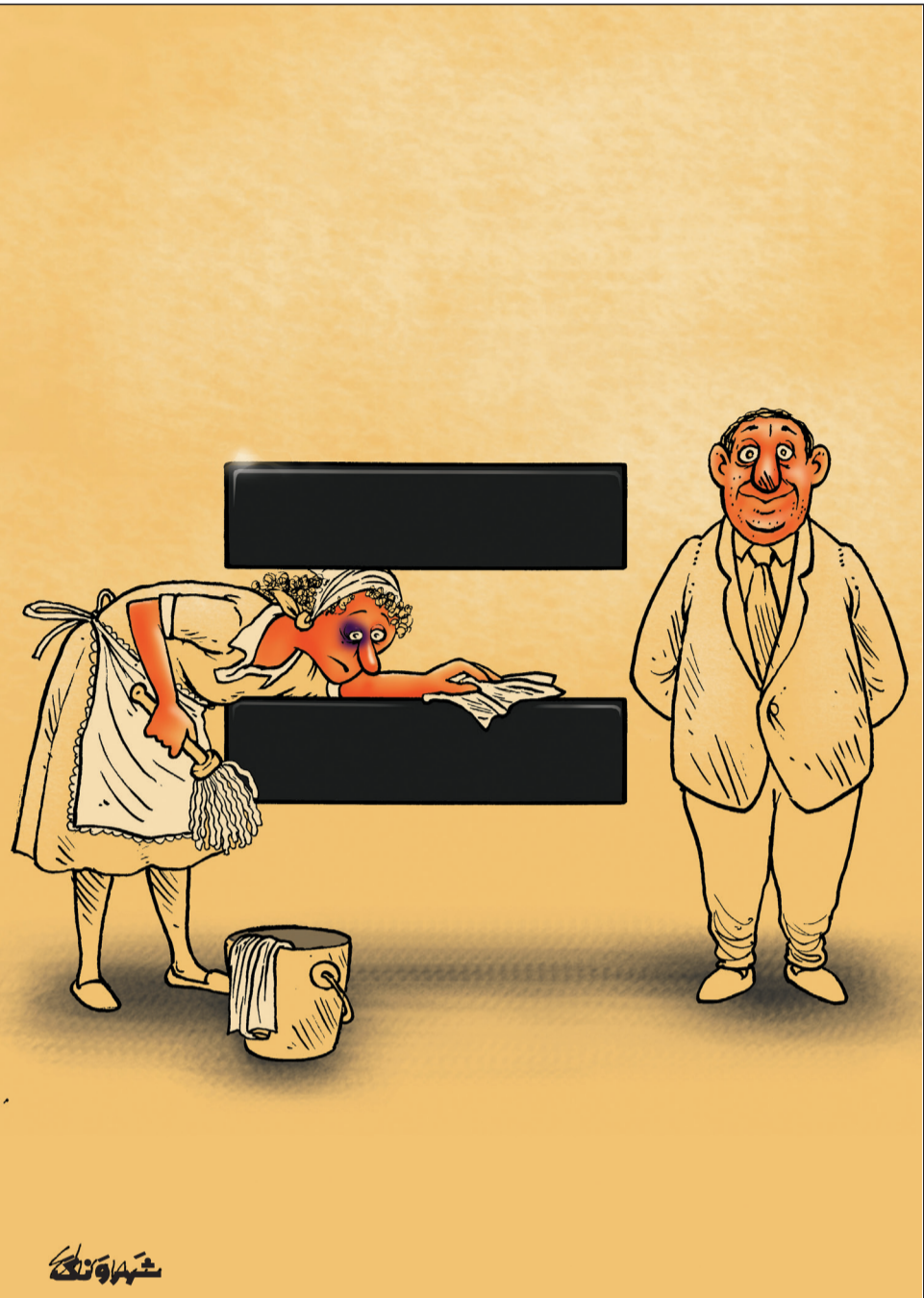
یک مسئول میراث فرهنگی: با فاضلاب میشه کشاورزی کرد؟

یک روشنفکر: بزهدکاری ریشه‌های فرهنگی دارد، نه اقتصادی

ابراز نگرانی شدید خبرنگار لندن نشین از افزایش بزهدکاری

در نسل‌های آینده اروپا

#زمینه-چینی-برای-جبران-خسارت-شهر ونگ



اجتماعی رسیده‌اند بعد خوشبخت شده‌اند و الان دچار خطای دید شده‌اند و قدر پول را نمی‌دانند.

۵- عکس بهترین بابای دنیا رو بذار: خب واضح است که فرزندی که از بابا جان‌شان ارث مشتی بهشان رسیده یادست‌شان هنوز توی جیب بزگوار است مخاطب اختصاصی این استوری هستند.

۶- با یه عکس بگو کارت چیه: کسی که توی معدن یا زیر زمین مشغول کار سخت است یا توی خیابان و بیابان عرق می‌ریزد، دستش تمیز باشد و کارفرما هم اجازه بدهد، نتش آنتن نمی‌دهد و نمی‌تواند همچین استوری بگذارد. می‌ماند دفتر نشینان مناطق تحت پوشش ۴G کلاشهرها.

مستولان ازدواج می‌کنند هم کسانی که با یک فرد سالمند خیلی پولدار ازدواج می‌کنند هم افراد پولداری که به جای صورت زیبا، ماشین و خانه زیبا دارند (سیرت زیبا مهم نیست) و با یک فرد دارای صورت زیبا ازدواج می‌کنند (اینجا هم سیرت زیبا مهم نیست).

۳- یه عکس اد کن که نشون بده جدایی به جا و به موقع خیلی هم کار خوبییه: این مورد خاص کسانیست که در اوج نوسانات قیمت سکه جدا شده‌اند و مهرشان را به اجرا گذاشته‌اند و درس عشق واقعی به شوهر عاشق پیشه‌شان داده‌اند.

۴- یه عکس اد کن که نشون بده پول، خوشبختی نیما: این مورد هم برای کسانیست که مستقیماً از پول به خوشبختی نرسیده‌اند، بلکه اول از پول به قدرت یا شهرت یا موقعیت

آزادراه

شناخت چند تیپ کاربر اینستا

می‌خواهیم ببینیم کاربران آپدیت جدید اینستا (اد کردن استوری‌ها به هم) چه تیپ اجتماعی هستند:

۱- یه عکس اد کن که نشون بده فامیل داشتن خیلی خوبه: مخصوص وابستگان برخی مستولان که با توجه به توأمان داشتن تعهد و تخصص سمّت می‌گیرند.

۲- یه عکس اد کن که نشون بده ازدواج هنوز قشنگیاشو داره: این مورد هم مخصوص کسانیست که با فرزندان و بستگان برخی

شهرنگار



از خنده تانقد واقعیت

قسمت چهارم - خنده کارناوالی



یحیی‌تدین
کارنویس

هیچ خنده‌ای خودبه‌خود شکل نمی‌گیرد، بلکه در ابتدا کنشی اتفاق می‌افتد که می‌تواند به اشکال مختلف رخ دهد. خواه به صورت کلام یا گفت‌وگو، خواه بازی (نمایش)، خواه تصویر (کارتون یا کاریکاتور) و در ادامه به صورت نمایش‌های خیابانی (کارناوال) در شکل کلام و گفت‌وگو علاوه بر «جوک» گفتن مقوله ادبیات نیز قرار می‌گیرد. به‌طور

مثال در قسمت‌هایی از نمایشنامه‌های «شکسپیر»، یا رمان‌های «صادق هدایت» و وقایعی رخ می‌دهد که باعث خنده خواننده می‌شود. در شکل نمایش و سینما، کمدین‌ها نقش اصلی را بازی می‌کنند و در کارتون‌ها، این قلم‌طراح است که حرف آخر را می‌زند اما در کارناوال‌ها پدیدهای اجتماعی رخ می‌دهد که همراه با موسیقی و آواز دسته‌جمعی و رقصندگانی که با ماسک‌های گوناگون صورت‌های خود را می‌پوشانند، در قدم اول هدفی جز شاد کردن مردم را ندارند. مراسمی که همراه با شادی و پایکوبی پیامی نیز منتقل می‌کند: «در زمان برگزاری کارناوال‌ها، نظام سلطه و سلسله مراتبی، از نظرها مخفی

می‌شوند» بر این اساس جای تعجب نیست اگر علی‌رغم سابقه تاریخی هزاران ساله، برگزاری کارناوال‌ها در نظام‌های دیکتاتوری با ممانعت روبه‌رو می‌شود. منطق حاکم بر کاروان‌های شادی، همان منطقی است که در کارتون‌ها نیز به اجراء می‌آید. مهم‌ترین ویژگی آن وارونگی وقایع یا حقایق است، جایی که در آن ابله پادشاه و پادشاه نقش ابله را بازی کرده و نهایتاً دنیایی وارونه را بنا می‌کنند. بر این اساس خنده کارناوالی از یک طرف شادی بخش و از سویی دیگر ویرانگر شرایطی است که هیچگونه تغییری را بر نمی‌تابد. به چند نمونه از تصاویر کارناوالی توجه فرمایید.